

توجه کافی به مسائل زنان و جوانان و اعطای جایگاه مناسب به آنان در جوامع اسلامی

توجه کافی به مسائل زنان و جوانان و اعطای جایگاه مناسب به آنان در جوامع اسلامی

بیژن شهرامی

بسم الله الرحمن الرحيم

«این اسلام است که همه را به آزادی واقعی و به برادری و مساوات دعوت نموده و وسائل تحقق آن را هم آماده کرده، و موازین حق و عدالت و انصاف را برپا ساخته است». برناردشاو، (1)

قرن پر نشیب و فراز بیستم در حالی آخرین روزهای خویش را سپری می‌نماید که جهان‌نیان را بهت و حیرت ناشی از وقوع پاره‌ای حوادث شگرف و اعجاب انگیز در بر گرفته است، حادثی که در صدر آن می‌توان حادثه میمون و مبارک بیداری تدریجی امت اسلامی از خواب تحمیلی و سنگین قرون و اعصار را به وضوح یافت، حادثه‌ای که خواب نوشین را از دیدگان شیاطین جهان ربوده و زوال حاکمیت منحوس آنان بر کره ارض و استقرار نظام جهانی عدل اسلامی را بشارت داده است و در بزرگی و اهمیت آن همین بس که سده

از آنجا که در این عصر، جامعیت و تمامیت نگری اسلام و ناتوانی ادیان آسمانی تحریف شده در بر آوردن و تامین نیازهای گسترده آدمی بیش از پیش در امتداد نگاه عالمیان قرار گرفته است گرایش و اقبال ایشان به احکام نورانی شریعت محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم) هر روز پررنگتر شده و ابعاد تازه ای یافته است، خواه به صورت تقيّد بیشتر و رجوع دیگر باره و همه جانبه ملل اسلامي به پیشینه دینی سترگ هزار و چهارصد و اندی ساله خویش و خواه به صورت تشرّف روز افزون غیر مسلمانان به آیین متعالی، مترقی و اصیل اسلام به مصداق آیه شریفه: P وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْعُونََ فِی دَرِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا⁰، (2)

امت اسلامی در آستانه ورود به هزاره جدید و سده آغازین آن بر آنست با تقویت مبانی اعتقادی و ارتقای سطح التزام خویش به احکام نورانی اسلام چهره تابناک شریعت محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم) را نیز بیش از پیش به جهانیان بنمایاند و عرصه را برای بهره مندی انسان سرگشته دنیای امروز از نعمت بی بدیل اسلام فراهم آورد. ناگفته پیداست که مهمترین ابزار تحقق این مهم تلاش مضاعف در راستای اعتلای دار الاسلام در تمامی ابعاد آنست، آن سان که دین مبین پسندیده و در بردارنده سعادت دارین آدمی می باشد.

يك جامعة پیشرفته اسلامي به واسطه بهره مندی از امکاناتی که می تواند فرد را در تامین مطلوب دنیا و عقبای خویش یاری دهد از یکسو دینمداران و ساکنان دار الاسلام را از شیدایی در برابر بیگانگان و در افتادن به چاه غرب و شرق زدگی می رهاند و از سوی دیگر با مشارکت مقتدرانه در گفتگوی تمدنها و بیان مستند جامعیت و توانمندیهای بی بدیل اسلام نسخه شفا بخش شریعت محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم) را برای آلام انسانی به جهانیان عرضه می دارد.

از آنجا که یکی از شروط اساسی تحقق و شکل‌گیری چنین جامعه‌ای توجه کافی به مسائل اعضای آن بویژه زنان و جوانان و اعطای جایگاه مناسب به آنان می‌باشد در ادامه این نوشتار خواهیم کوشید بدان پردازیم اما پیش از آن ذکر چند مطلب ضروری به نظر می‌رسد:

پیشینه تضییع و نادیده گرفتن حقوق آدمیان (به ویژه زنان و جوانان).

پایمال شدن حقوق‌ها بیل‌ها با حاکمیت قابیل‌ها از سپیده دم تاریخ آغاز گردید و در طی ادوار و ازمان با تطوری ظاهری ادامه یافت. در این بین این زنان و جوانان بوده‌اند که همواره بیشترین آسیب و ستم را متحمل شده‌اند، شگفتا که در برخی از مقاطع تاریخ، اظهار نظر نیکردانه گروهی از فرزنانگان موجب تشدید آلام آنان گردیده است و دریغا که در جرگه اینان افرادی چون ارسطو، شوپنهاور، نیچه و... دیده شده‌اند: «ارسطوزن را ناقص و خلقت او راننشانه عجز طبیعت به هنگام آفرینش می‌داند. زن و بندگان در دیدگاه او بنا بر طبیعت محکوم به اسارت هستند و سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند». (3)

«شوپنهاور در مقاله - درباره زنان - زن را ناقص الخلقه می‌داند. و نیز نیچه مردان را به داشتن تازیانه هنگام ملاقات با زنان نصیحت می‌کند». (4)

امروزه نیز با وجود آنکه هر یک از دولتهای دنیا با توجه به خط مشی فکری و شعارهای آرمانی خویش داعیه دار توجه به حقوق بشر و مسائل زنان و جوانان بوده و اهتمام خود در اعطای جایگاه مناسب به آنان را چشم افسا می‌پندارد اما شاهد تضییع گسترده بدیهی ترین حقوق اولیه انسانها به ویژه طیف مزبور در گستره حکمرانی اغلب آنان هستیم.

این تضییع حق اگر چه در عصر حاضر ابعاد آشکار و پنهان بسیاری یافته اما ریشه در گذشته‌های دور دارد با این تفاوت که صراحت گذشته رفته رفته جای خود را به نهان کاری و اغوایی که رهاورد شوم جاهلیت مدرن است داده و حتی جذبه فراوانی پیدانموده است! تا آنجا که گاه افراد گرفتار در بند اغفال، با طیب خاطر تن بدین باطل حقنما خود را به هلاکت در افکنده‌اند.

امروزه نظام سرمایه‌داری چونان رقیب مفلوک شرقی خویش با چهره‌ای بزک کرده و دلفریب اما وفادار به سبک و سیاق دیرینه و عادت مالوف پیش از آنکه شان انسانی و کرامت عظمای خلیفه الهی آدمیان از جمله زنان و جوانان را در امتداد نگاه خود قرار دهد و یا حتی به آن معتقد باشد به ارزش اقتصادی، بازده کاری، چگونگی بهره‌گیری از آنان در زمینه‌های مختلف از جمله تبلیغات می‌اندیشد و بر این باور پای می‌فشرد شاهد ادعا مطلبی از «ویل دوران» است:

«آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است. زنان، کارگران ارزانتری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش و سنگین قیمت ترجیح می‌دادند...

زن این بردگی جدید را با شادی پذیرفت. شادی کسی که سرانجام کاری پیدا کرده و خود را به نحوی سرگرم ساخته است.» (5)

آری اسارت جامعه انسانی در چنبره ماده و ماده گرایی، سردرگمی، سرخوردگی و بی هویتی نسل جوان و تیره روزی طیف نسوان را به همراه داشته است همانگونه که مردان را نیز به خاک سیاه بی‌خبری از خود نشانده و به حسیض ذلت کشانیده است، گواه این ادعا اخبار تکان دهنده‌ای است که پیوسته از تضییع

حقوق زنان و بدفرجامی جوانان و به بن بست رسیدن مردان در قلب سرزمین مدعیان دروغین تساوی انسانها و معتقدین به اصطلاح پر و پا قرص فمینیسم و صدها ایسم دیگر حکایت می‌کند.

متأسفانه لکه سیاه بی توجهی به حقوق و مسائل واقعی انسانها علاوه بر دامان دول مزبور جامعه برخی ممالک واقع شده در گستره دارالاسلام را نیز آلوده نموده است و این در حالیست که تعالیم حقه اسلامی معتقد به تساوی انسانها و پایبند به تامین حقوق آنان می‌باشد و قرآن کریم برتری فردی بر فرد دیگر بر اساس جنسیت، رنگ، نژاد، توانگری و امثال ذلك را مردود شمرده و یگانه ملاک را در این زمینه «تقوی» دانسته است که [... ان اکرمکم کم عند اللّٰه اتقواکم...]. (6)

در ممالک اخیر هیچ‌گاه اندیشه اعطای جایگاه مناسب به جوانان و زنان به مخیله زمامداران راه نیافته و اگر یافته راه به جایی نبرده است، گویی شریعتی که آنان خود را وفادار بدان می‌پندارند فقط به لحاظ «اسمی» شباهتی با اسلام دارد و ناظر به ابعاد عالی‌ای که بر آن مترتب است نمی‌باشد. در این زمینه سخن پروفیسور «هاکنج» شنیدنی است که «مشکل کشورهای اسلامی این نیست که در آیین اسلام ابزار پیشرفت نیست بلکه این است که در این کشورها تمایل و اراده لازم برای استفاده از این ابزار پیشرفت وجود ندارد». (7)

وی سپس ادامه می‌دهد که «من با کمال واقع بینی درک می‌کنم که شریعت اسلامی کلیه مبادی و اصول لازم برای پیشرفت و تکامل را در بر دارد». (8)

به هر حال از آنجا که محرومیت جوانان و زنان در وجه اخیر سنتی و صریح بوده و به واسطه ضعف بنیة اقتصادی و تولیدی کشورهای جهان سوم صورت غیر صریح نیافته، در باغ سبز غرب کارگر افتاده و تهاجم فرهنگی منصه ظهور پیدا نموده است که غربزدگی و احياناً شرق زدگی و نیز از خود بیگانه شدن رهاورد

آن تلقي مي‌شود.

زنان و جوانان در منظر اسلام

شريعت شريف محمدي (صلي الله عليه وآله وسلم) با توجه به ماهيت نوراني و الهي خویش که ذیلاً جلوه‌هايي از آن بيان مي‌شود جا يگاهي بسيار والا و در خور براي زنان تدارك ديده است:

– تعيين تقوي به عنوان يگانه ملاك برتري فردي بر فرد ديگر و نفي ملاكهايي از قبيل جنسيت و...

– اعتقاد به تساوي انسانها در عين معتقد بودن به وجود برخي تفاوتها ما بين زن و مرد.

– تجليل از زنان بزرگ تاريخ يکتا پرستي از جمله حضرات هاجر، آسيه، خديجه کبري، فاطمه زهرا (س)

و...

– نکوهش کساني که نسبت به زنان و دختران ستم روا داشته‌اند (از جمله آنان که دختران خود را زنده به گور نمودند).

- تبیین وظایفی که والدین نسبت به فرزندان خود از جمله دختران دارند.

- تبیین وظایفی که همسران نسبت به هم دارند (از جمله شوهر نسبت به زن).

- تبیین وظایفی که فرزندان نسبت به والدین خود خصوصاً مادر دارند.

- تجلیل از نکاح و تشکیل خانواده.

- ابلاغ حجاب به عنوان حصن حصین و نگهبان امین گوهر وجود زن.

- بهره مندی یکسان زن و مرد از حقوق فردی و اجتماعی.

- وجوب تحصیل علم برای زنان.

علاوه بر آنچه که ذکر شد برخورد حسنة پیامبر گرامی اسلام با آحاد مردم از جمله زنان (وحتی زنان غیر مسلمان) نیز گواه صادق دیگری از رفعت جایگاه نِسوان و مؤمنات در منظر شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

توصیه های الهی و اهتمام ایشان در زمینه لزوم رعایت حقوق زنان جامعه اسلامی و تکریم و احترام آنان که در قالب گرامیداشت دختر گرامیش بی بی فاطمه زهرا (س) عینیت و منصفه بروز افزونتری یافته چشم افشا و مثال زدنی است. علاوه بر این سیره نظری و عملی مولای متقیان علی (علیه السلام) و فرزندان معصومش نیز در مواجهه با زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه اسلامی تحسین برانگیز است تا آنجا که می بینیم حضرت آنگاه که خلخال از پای زنی دم می ربوده می شود سخت بر آشفته شده می فرماید (نقل به مضمون): (اگر کسی از شنیدن این حادثه بمیرد نیز جا دارد)، و یا آن امام همام را می بینیم که در تنور خانه بیوه زنی بادت مبارک خود طبخ نان فرموده فرزندان او را مورد تفقد قرار می دهد و یا شبانه به صورت ناشناس به اطعام نیازمندان می نشاند.

این رفتارهای حسنه و انسانی که نشأت گرفته از حقیقت ژرف و ماهیت الهی اسلام است در طول ادوار و ازمان شگفتی و تحسین جهانیان را برانگیخته و لسان اندیشمندان غیر مسلمان را نیز به اعتراف صادقانه گشوده است از جمله بانو «ستان رانی تنس» اندیشمند هلندی که می نویسد:

«قرآن درباره زنان داور عادلانه ای دارد و برخلاف برخی از مرامها و ادیان که جنیس زن را تا به سر حد بردگی تنزل داده و ارزشی برای او قائل نیستند، وی را از مزایا و حقوق انسانی برخوردار ساخته و مقام شامخی برای زن منظور داشته است». (9)

ناگفته پیداست که شریعت کامل الهی که شان از کف رفته زنان را به آنان مسترد فرموده است برای جوانان نیز احترام و شان خاصی را قائل است.

در سایه سار این آیین آسمانی است که جوانان گاه به واسطه دست یافتن به مراتب بالای علم و تقوی مقام و مرتبتي فراتر از پیران نزد خدایتعالی می‌یابند در حالیکه از احترام سالمندان غافل نمی‌شوند و آنان را به نیکوترین شکل گرامی می‌دارند.

توجه پیامبر عظیم الشان اسلام (صلي الله عليه وآله وسلم) به جوانان و اعطای سمت و مسئولیتهای مهمی از قبیل فرماندهی سپاه و لشکر و امثالهم به آنان گاه با اعتراض نسنجیده دیگران روبرو می‌شد که نمونه‌هایی از آن در متون روایی مضبوط است: «روزی جمعی را به سفری فرستاد، از آنها پرسید چقدر قرآن می‌دانید؟ یکی که از همه جوانتر بود گفت: من فلان و فلان و سوره بقره را می‌دانم. فرمود: بروید امیر شما این است. گفتند او از همه کم سال تر است! فرمود: او سوره بقره را می‌داند.» (10)

«مصعب بن عمیر قرشی شهید جنگ احد (نیز) به روزگار جوانی سرپرستی مسلمانان مدینه را پیش از هجرت به عهده گرفت و زمینه را برای هجرت هموار کرد این ماموریت بزرگ در اثر دانستن قرآن بود.» (11)

آری گرامی داشتن جوانان و بهادادن به ایشان از جلوه‌های آشکار و تحسین برانگیز مکتب انسان ساز اسلام است که توجه به آن می‌تواند در این عصر نیز برکات بی‌پایان خویش را نصیب دار الاسلام و بلکه جهان نماید.

علي كل حال با توجه به آنچه که ذکر آن رفت مي‌توان نتیجه گرفت که امروزه عنایت کافی به مسائل زنان و اعطای جایگاه مناسب به آنان بیش از هر زمان دیگر ضرورت یافته و شایسته است دارالاسلام با بهره‌گیری از احکام نورانی شریعت محمدی که تکریم و احترام آدمی خواه مرد خواه زن در گرو اجرای آنهاست بازار مکاره غریبان را به کلی از رونق بیندازد و راه رشد و سعادت انسانها را هموارتر سازد، اما به راستی این مسائل کدامند؟

در پاسخ بدین سؤال ذیلا مواردی را بر می‌شماریم و می‌کوشیم به اختصار در باب هر يك مطالبی را بنگاریم:

الف - آموزش

[... يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ] (12)

امروزه آموزش به عنوان یگانه کلید پیشرفت و توسعه پایدار جوامع انسانی اهمیت چشم افسای پی‌دا کرده است آنگونه که از بدهی‌ترین موارد حقوق بشر شناخته شده و مورد تاکید قرار گرفته است.

البته این در حالیست که هنوز بسیاری از کشورها با معضل سنگین بی‌سوادی یا کم‌سوادی دست به‌گریبان بوده و در صدد یافتن راه حل و چاره‌ای برای آن برآمده‌اند، اگر چه علیرغم صرف هزینه‌های کلان به دلیل نامناسب بودن نوع برخوردی که با این معضل داشته‌اند طرفی نبسته و راه به جایی نبرده‌اند.

بی سواد به عنوان ریشه و منشا بسیاری از مشکلات، روند رشد خیلی از ممالک را کُند نموده و از سرعت سیر قافله علم و پیشرفت بشری و توان همراهی و همقدمی کشورهای جنوب با آن کاسته است. نگاهی به آمار و ارقام منتشره از سوی سازمان یونسکو و آیسکو نشان می‌دهد که اولاً آمار بی سواد در بین زنان بیش از مردان است و ثانیاً تفاوت معناداری از حیث بهره مندی از سواد بین شمال و جنوب دیده می‌شود آنگونه که در جهان امروز از هر ده زن چهار نفر بی سوادند حال آنکه در برخی از کشورهای عربی و آفریقایی از هر ده زن هشت نفر بی سواد هستند. (13)

محدودیت و ضعف حاکم بر نظامهای آموزشی دول جهان سوم از جمله بخش عمده‌ای از دارالاسلام و نیز برخی آداب غلط مرسوم در برخی از جوامع که علم آموزی بانوان را منع و جوانان را به لطایف الحیل از کسب دانش و معرفت واقعی و بی‌پرواشدن در نقد ماهیت و عملکرد نظام حاکمه و مشارکت در تعیین سرنوشت خویش باز می‌دارد باعث شده که توجه جوانان به بازار مکاره غرب و دانشگاههای کارآمد آن جلب شود و جذبه دیرپای دارالاسلام در منظر جویندگان دانش کاهش یابد، بی اعتباری مدارک علمی اغلب مراکز آموزشی دول جنوب در منظر ممالک شمال نیز به تشدید این امر انجامیده است.

اتفاقات تلخ رایج در افغانستان که عقاید پوسیده و فرامتجرانه گروهی کج اندیش را به نام اسلام در امتداد نگاه جهانیان فرار داده و آحاد افراد جامعه خواه زنان، خواه مردان، خواه جوانان، خواه سالمندان را از بدیهی ترین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم نموده و فتوی به منع تحصیل دختران و زنان و بسیاری دیگر از کنشهایی که مغایرتی با احکام نورانی اسلام ندارند، داده نمونه و جلوه‌ای آشکار از تلاشهای مجدانه دستهای پیدا و پنهانی است که حضور قاطعانه و تاثیرگذار اسلام در عرصه معادلات جهانی را برنتابیده به زعم خویش کمر به هدم آن بسته‌اند و نیز نمونه ای از مشکلاتی است که پردختن به آنها از وظایف اصلی امت اسلامی در قرن آتی میلادی است.

همگرایی و تلاش دولتهای حاکم در جای جای دارالاسلام در فراهم آوردن امکان برخورداری از آموزش برای همگان و توجه به هزینه فرصتی افراد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود اگر چه آموزش زنان در این میان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که نیکو گفته‌اند: «اگر مردی را تربیت کنی یک نفر را تربیت نموده‌ای اما اگر یک زن را تربیت کنی ملتی را ساخته‌ای». (14)

ب - کار و اشتغال

«کار» را بزرگترین سرمایه خوانده‌اند که در سایه سار آن علاوه بر رفع نیازهای معیشتی؛ آرامش، همگرایی، هویت شغلی و اعتلای شخصیتی فرد محقق می‌شود.

شغل به عنوان زیرمجموعه اصلی کار نقطه اتکای مسئول خانواده در اداره امور خانه بوده و تامین کننده سرمایه‌ای است که پایداری رابطه متعادل و مفید خانه و جامعه نیازمند هزینه شدن آنست.

اگر چه تامین این اعتبار در شرایط ایده آل از جمله وظایف عمده مسئول خانواده یعنی پدر است اما گاه به دلایلی مدیر خانه یعنی مادر نیز عهده‌دار تامین تمام یا بخشی از آن می‌باشد:

از جمله این عوامل ایده آل نبودن شرایط محیطی به واسطه ناهماهنگ بودن رشد در ابعاد مختلف آن و یا مرگ، ناتوانی یا گریز مرد از خانواده و یا ناکافی بودن در آمد وی و امثال ذلك می‌باشد.

امروزه در حالیکه اشتغال بانوان در کشورهای شمال امری کاملاً طبیعی بوده و نظام سرمایه‌داری در راستای حفظ هویت و اصالت خویش گاه به استثمار پنهان ایشان نیز می‌پردازد در کشورهای جنوب اشتغال زنان امری کاملاً طبیعی نبوده و بیشتر برخاسته از فقر اقتصادی و نبود برنامه‌ای مدوّن در امر مدیریت کانون خانواده می‌باشد، به تعبیر بهتر در این قبیل جوامع زمینه لازم جهت اینکه زن فارغ از دغدغه تامین هزینه‌های خانواده و به امید کمک به رشد و اعتلای کشور به کار و فعالیت بپردازد کمتر وجود دارد.

نبود فرصتهای شغلی، سازمانهای بیمه و نهادهای حمایتی در ممالک مزبور و تنگ نظری سنتی موجود در آنها نسبت به کار زنان که شرایط نامساعد محیطهای کاری آن را تشدید نموده باعث شده است که زنان به لحاظ تامین هزینه‌های خانه و خانواده با مشکلات و ابهامات دامنه‌داری مواجه شوند که آنها را وجه ممیزه جامعه خود با جوامع پیشروی موجود در گستره گیتی دانسته به سمت آنها کششی حداقل درونی پیدا کنند.

از دیگر سو بالا بودن نرخ رشد جمعیت و مشکلات عدیده حاصل از آن و نیز محدود بودن منابع مالی و اعتباری موجب شده که بسیاری از جوانان به ویژه پسران از یافتن کار و پی ریزی شالوده زندگی جدید و مستقل نا امید شده به دامان غرب بگریزند یا خیال گریختن را داشته باشند.

با توجه به چنین وضعیت حادی است که انتظار می‌رود دول اسلامی نیز با اعمال مدیریتی کارآمد و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و بهره‌گیری از طرحهایی که با توجه به شرایط مکانی قابل اجراست و نیز بهادادن به امر تحقیقات و تولید یا کسب فن آوریهای نوین مسأله بفرنج بیکاری را از لیست بلند مسائلی که آحاد افراد به ویژه زنان و جوانان با آن رو در رو هستند حذف نمایند.

یکی از نیازهای اساسی آدمی برخورداری از امنیت در ابعاد مختلف آنست که تامین آن از اعظم و طایف نظام حاکم بر هر کشور است.

امروزه حوزه‌های امنیتی به لحاظ تعدد و تکثر تنها به جان و مال افراد محدود نمی‌شوند بلکه حیطه‌هایی از قبیل اقتصاد، روان، شغل، سیاست و مانند آن را شامل می‌شوند که گاه به لحاظ اهمیت گوی سبقت را از حوزه‌های آغازین ربوده‌اند.

توجه آگاهانه و همه جانبه نظام سیاسی هر کشور به ایجاد، حفظ یا تقویت حوزه‌های مزبور منجر به ایجاد فضایی باز، مطمئن و مفید می‌شود که استعدادهای ژرف و شگرف آدمی در آن مجال ظهور و بروز یافته و مسیر توسعه راهموار می‌سازد.

اگر چه نبود امنیت همه افراد جامعه را متضرر می‌سازد اما تجربه نشان داده است که ضریب آسیب پذیری زنان و جوانان در و انفسای فقدان آن به مراتب بالاتر است، این از آنروست که ایشان در تعریف امنیت یا به کلی نقشی نداشته‌اند و یا اگر سهمی نیز داشته‌اند آن را به نفع دیگران به کار برده‌اند.

با این حال رفته رفته آشکار شده است که تامین امنیت پایدار و همه جانبه با بهره‌گیری صرف از سامانه پلیسی امکان پذیر نیست چرا که آبخورهای اصلی مقوله فوق فرهنگ، آموزش صحیح و اعتماد است، مؤلفه‌هایی که بر خلاف ابزارهای سنتی متزلزل حفظ امنیت از ثبات و پایداری چشمگیری بهره‌مند هستند

و نتیجه بهتری را ارائه داده‌اند.

از اینرو سهم ساختن زنان و جوانان در تعریف «امنیت» و بهره‌گیری عمیق از آبشخورهای نوین تاثیرگذار بر آن از جمله اصلی‌ترین وظایف جامعه اسلامی در قبال آنان است که عملی شدن آن می‌تواند تا حدود بسیار زیادی حس امنیت پسندی انسان را ارضا نماید.

تامین امنیت با توجه به شرایط زمان و مکان دشواریها و ظرافتهای خاص خود را دارد به ویژه برای زنان و جوانان که نوک پیکان زهرآگین شیخون فرهنگی دشمنان دین و آیین همواره بسوی آنها نشانه رفته است، البته این امر بی‌آنکه بخواهد ضعف اینان را در برابر هجما فوق بنمایاند اعترافی عملی به نقش و امت خویش رقم زنند، توانایی وصف ناپذیری که موانع عمده را با سه انگشت تدبیر خویش از سر راه پویندگان معرفت بر می‌دارد و در مظاهر ایشان دریغ روانمی‌دارد.

در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری امنیت هویتی شرقیان به ویژه مسلمانان در معرض خطر قرار دارد چرا که لازمه دستیابی سهل و ساده نظام سرمایه دار و استعمار پیشه جهانی بر کل دنیا بی‌ریشه ساختن افراد و استحاله هویتی آنان و دلباخته ساختن ایشان به خود می‌باشد. از اینرو پاسداری از امنیت افراد در تمامی ابعاد آن به ویژه امنیت هویتی که گاه مترادف امنیت اعتقادیست از اعظم وظایف امت اسلامی در آستانه قرن جدید است.

د - آزادیهای مشروع

خدايتعالی آدمی را آزاد آفرید و آزادی را به وی ارزانی داشت تا در سایه سار آن بتواند «اختیار» را اختیار کند و راه را از چاه تمییز دهد.

با وجود اینکه هدف از این عنایت عظمی گشاده ساختن راه اعتلای آدمی بوده است آیا می‌توان هر آنچه را که مغایر با این امر است به نام آزادی مورد تایید و تاکید قرار داد؟

آیا می‌توان سپردن زمام امور اختیار خود به نفس امّاره یادر افکندن خویش به چاه ضلالت را در پوشش «آزادی» توجیه کرد؟

آیا رواشمردن جنایات تکان دهنده‌ای از قبیل سقط جنین، کمک به خودکشی بیماران لاعلاج و امثالهم که جامعه انسانی را به سوی انحطاط سوق می‌دهد «آزادی» است؟

آیا مسافری حق دارد با ادعای «آزادی» کشتی و زورقی را که دیگر مسافران نیز بر آن سوارند ولو اینکه همان جایی را که خود بر آن نشسته سوراخ نماید؟ آیا ممانعت از اینکار نقض آزادی است؟ جواب خرد به تمامی این سئوالات منفی است و صلاح فرد و جامعه نیز در آنست که با گردن نهادن بدین رای و با پذیرفتن مطرودین پیامبر درونی از آزادی واقعی و رهاوردهای ارزشمند و متعالی آن پاسداری نمایند.

از آنجایی که عقل ممکن است تحت تاثیر مؤلفه‌های انحرافی واقع شود و ناخواسته حکم به باطل نماید و نیز با توجه به اینکه در حوزه ما وراء طبیعت توان پریدن به روی تمام شاخسارها را دارا نیست می‌بایست در سایه سار دعوت پیامبری الهی بنشیند که آیین و شریعتش کاملترین دین و مسلک الهی است

این جلوس فرخنده از چند جهت مبارك و ارزشمند است یکی اینکه می‌توان باور داشت ما حکم به العقل حکم به الشرع و دیگر آنکه عقل با چراغ گیتی فروز دین راه را از چاه باز می‌شناسد و در دام پر زرق و برق مکاتب انحرافی که تعاریف ناقصی از هستی، انسان و نیازهای وی دارند گرفتار نمی‌آید ضمن آنکه سره از ناسره و آزادی مشروع از غیر آن تمیز داده شده، مرز مابین آنها دقیقاً مشخص می‌شود، مرزی که نادیده انگاشتن آن نهایتاً به هلاکت و فلاکت ختم می‌گردد.

در عصر حاضر نیز با وجود آنکه امکان جلوس عقل در سایه سار دین و تشخیص حدود آزادی مشروع فراهم است اکثر ملل دنیا به نوعی از افراط و تفریط در برخورد با آزادی رنج می‌برند، گروهی آزادی مطلق و بی حد و مرز را آزادی پنداشته بدان دل خوش نموده اند و گروهی نیز به کمی بهره‌مندی از آن گرفتار شده‌اند.

تبعات منفی گرفتاری اخیر هم متعدد است که از آن جمله می‌توان به غرب و شرق زدگی و در نوردیدن مرزهای آزادی مشروع در زمان سست شدن نظارتهای خشک و نامربوط سنتی اشاره کرد.

امروزه سطح بهره‌مندی طیف وسیعی از ساکنان دارالاسلام به ویژه زنان از آزادیهای مشروع پایین است تا آنجا که در فلان مملکت مسلمان نشین زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی حتی رانندگی هم محرومند و در فلان کشور زنان و دختران حق خواندن و تردد در معابر را نیز ندارند!

این وضعیت ناهنجار که نشأت گرفته از نداشتن درک درست از اسلام است می‌باید به عنوان يك مساله بغرنج و بحران زا مورد توجه دلسوزان امت قرار گیرد و زمینه رفع آن با ارائه راهکارهای مناسب فراهم شود. اهمیت این کار اگر از کارهای اصلاحی دیگر بیشتر نباشد مطمئناً کمتر نخواهد بود.

نظامهای سیاسی آزاد و مردمی بر خلاف نظامهای هزار فامیل و مستبد از مقبولیت ملی برخوردار هستند که این مقبولیت در قالبهای گوناگون از جمله مشارکت مردم در امور سیاسی جلوه‌گر می‌شود.

در این قبیل جوامع از آنجا که سطح علاقه مندی مردم به حضور در عرصه سیاسی کشور و تعیین سرنوشت خویش برآوردی از مقبولیت نظام یا حزب حاکم است دولتمردان می‌کوشند تا با بهره‌گیری از هر آنچه که مفید فایده است و در اختیار دارند مشارکت سیاسی مردم را پررنگتر سازند.

سیری در پیشینه سیاسی این قبیل کشورها نشان می‌دهد که مشارکت ضعیف و سست سیاسی زنان و جوانان رفته رفته بهبود یافته و به سطح مطلوبی رسیده است اگر چه هنوز در بسیاری از آنها زنان عملاً احراز پستهای کلیدی از جمله نخست وزیری و ریاست جمهوری را تجربه ننموده‌اند.

این امر بی آنکه متأثر از منع قانونی باشد ریشه در عرف و سطوح تغییر نیافته فرهنگی جوامع مزبور دارد که البته هر روز از درجه نفوذ ناپذیری آن کاسته شده راه برای ارتقای شغلی آنان هموارتر می‌شود. در مقابل نظامهای استبدادی که از مشروعیت مردمی نیز بی‌بهره هستند و اصولاً ماهیت آنها توسعه سیاسی را بر نمی‌تابد با بهره‌گیری از ابزارهای مشخص مانع از مشارکت سیاسی آحاد افراد جامعه به ویژه زنان و جوانان می‌شوند، به عنوان مثال در گستره دارالاسلام حکومت‌هایی یافت می‌شوند که با وارونه جلوه دادن احکام نورانی اسلام دستاویز لازم را جهت تخطئه مشارکت مردمی در ساختار حکومت فراهم آورده‌اند، از جمله حکومت‌هایی که ماهیت پادشاهی، امارت یا ریاست جمهوری فرمایشی و

تشریفات دارند، فاقد مجلس قانونگذاری انتخابی بوده و یا در صورت بهره‌مندی از پارلمان زنان از حق رای و حق انتخاب شدن برخوردار نیستند.

از آنجا که این تفسیر کاملاً غلط از دین خواسته یا ناخواسته در بخش قابل ملاحظه‌ای از جهان اسلام حاکمیت دارد و زمینه‌انزوای سیاسی حدود 50 درصد از افراد جامعه که شامل زنان و جوانان می‌شود را فراهم آورده است می‌بایست به عنوان یک معضل در امتداد نگاه دلسوزان و مصلحان امت اسلام فرار گیرد و با چاره‌اندیشی عالمانه زمینه مناسب جهت رفع آن فراهم آید.

بدون شک نظام مقدس جمهوری اسلامی که در طول حیات بیست‌ساله خویش بیست و دو انتخابات سراسری را با مشارکت گسترده و میلیونی مردم خواه مرد خواه زن خواه مسلمان و خواه اقلیت‌های دینی برگزار نموده است می‌تواند به عنوان کاملترین الگو در این راستا مورد توجه قرار گیرد.

و - هویت

غرب هیچگاه هویت غنی و مستقل ملل شرق را بر نتابیده است بلکه همواره کوشیده است تا هویت خود را جایگزین آن سازد زیرا به فراست دریافته است که لازمه پایداری پایه‌های نظام استعماریش در جهان سوم استحاله فرهنگی و هویتی آنان به نفع خویش است، آنان در این راستا راهکارهای متعددی را به کار گرفته‌اند از جمله با توجه به حضور پنجاه و اندی کشور اسلامی در سطح جهان و نیز هویت دینی یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان که در سراسر کره ارض حضور دارند کوشیده‌اند با رواج دین‌گریزی در بین نسل نوپای دارالاسلام مانع از بهره‌مندی آنان از هویت بی‌بدیل اسلامی شوند و راه را برای رسوخ فرهنگی و نشر هویت نامانوس خویش در گستره فکری دارالاسلام فراهم آورند.

از آنجا که هویت هر فرد عبارت از دیدگاه وی پیرامون باایدها و نبایدها (احکام و ایدئولوژیها)، هستی‌ها و نیستی‌ها (اعتقادات) و شایدها و نشایدها (اخلاق) است و نیز از آنجا که اسلام تعاریف متعالی و شفاف از حوزه‌های فوق ارائه داده است، رواج دین‌گزینی یگانه راه مسخ هویتی مسلمانان و سلطه یافتن بر مقدرات ایشان تلقی شده و مورد اهتمام جدی سامانه اسلام ستیز غرب قرار گرفته است.

علل کمرنگی ارتباط فرد مسلمان با دین علاوه بر تلاشهای متنوع اسلام ستیزان یکی کافی نبودن تلاش علمای اسلام در پاسخگویی به سؤالات روز افراد جامعه به ویژه جوانان و عدم اقبال ایشان در برقراری ارتباط و نمایاندن ابعاد عالی‌ه‌ای که اسلام از آنها برخوردار است می باشد و یکی نیز که به واقع از بیشترین اهمیت برخوردارست جدا پنداشتن دین از سیاست از سوی غالب دول حاکم در جای جای دارالاسلام و تبعات منفی عدیده ناشی از آنست.

امروزه التزام عملی ناقص یا کامل بسیاری از دولتمردان حاکم در گستره دارالاسلام به این ایده شوم باعث شده که اغلب نظام های آموزشی این محدوده از تربیت افراد یکه رکن ساختار هویتشان را اسلام تشکیل می‌دهد عاجز بمانند.

توجه به هر آنچه که هویت فرد مسلمان را تهدید می‌کند از عمده وظایف دلسوزان امت اسلامی است که می‌بایست با بهره گیری از نتایج حاصل از آسیب شناسی به ارائه راهکارهای مفید و مؤثر منجر گردد.

خدايتعالی آدمی را به شکل مرد و زن آفرید و هر يك را سبب آرامش دیگری قرارداد تا آنجا که در قرآن کریم فرمود: P... هُنَّ لِبَاسٌ لِّكُمْ° وَاَنْتُمْ° لِبَاسٌ لِّهِنَّ°... 0. (15)

در این راستا ازدواج به عنوان عاملی که فراهم آورنده زمینه لازم جهت تحقق این مهم است در شریعت اسلام از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد تا آنجا که رسول گرامی اسلام در آن عبارت شریف نکاح را سنت خویش نامید و امت را بدان ترغیب فرمود.

امت نیز از صبحگاه طلوع خورشید رسالت حضرت ختمی مرتبت (صلي الله عليه وآله وسلم) با مقدس شمردن خانواده و قایل شدن معنویت مضاعف برای نکاح که از آن پس سنت نبویش خوانده‌اند نیمی از دین را به دست آورده برای کسب نیم دیگر تلاش کرده است در حالیکه در اکثر نقاط بیرون از دارالاسلام کمرنگ شدن علاقه مندی به ازدواج و تشکیل خانواده که توسعه فحشاء را به دنبال داشته است در بسیاری از موارد دین و دنیای افراد را به باد داده و آنها را از نعمت آرامش و مهر و صفای حاصل از زندگی خانوادگی بی‌بهره ساخته است.

برکات ناشی از بهره مندی ساکنان دارالاسلام از احکام نورانی و مترقیانه اسلام (از جمله حکم ازدواج) و استحکام خانواده شرقی غبطه و حسرت بیگانگان را در پی داشته است تا آنجا که گاه زبان به اعتراف گشوده ثمرات عدیده آن را بر شمرده‌اند.

البته این در حالیست که موانع چندی روند اقبال و گرایش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده را کند ساخته است از جمله بیکاری، نداشتن سرمایه، نبود مسکن، بالا رفتن توقعات افراد، دگرگون شدن فرهنگ

شناسایی دقیق این عوامل و تلاش در جهت رفع یا تخفیف آنها از راه اعطای وام قرض الحسنه، تبیین احکام و شرایط ازدواج موقت و... می تواند موانع مزبور را حذف و راه تشکیل خانواده را برای هر يك از افراد گشاده دارد، امری بسیار مهم که حفظ آرامش و معنویت دیرین اهالی دار الاسلام در گرو سهل الوصول بودن آنست.

ح - ورزش

نقش ورزش در پاسداشت سلامتی و تندرستی آدمی به مدد پیشرفتهای چشم افسای علمی بیش از هر زمان دیگر آشکار شده است به گونه ای که آن را به عنوان مؤثرترین عامل درمان و نیز پیشگیری از بیماریهای گوناگون جسمانی و روانی بر شمرده و به رسمیت شناخته اند.

این نقش حائز اهمیت که به خوبی در امتداد نگاه ادیان آسمانی به ویژه اسلام قرار داشته زمینه رشد و توسعه سریع آن را در جای جای دنیا فراهم آورده است اگر چه به لحاظ برخورداری از امکانات ورزشی نابرابری فاحشی بین شمال و جنوب دیده می شود.

در حالیکه ممالک شمال از ورزشگاههای مجهز، دانشگاههای تربیت بدنی پیشرفته، فناوری نوین ورزشی بازیهای منظم محلی، منطقه ای، ملی و چند ملتی، باشگاههای کلاسیک، پژوهشکده های فعال ورزشی و امثال ذلك بهره مند هستند کشورهای جنوب گاه به واسطه گرفتاری در چنبره مشکلات عدیده اقتصادی و ضعف بنیة

مالي و گاه به دليل ضعف شناختي و مديریتی از تامین حداقل امکانات ورزشي براي مردم خویش به ویژه زنان و جوانان ناتوانند. با این وجود در بسیاری از اوقات فرزندان جنوب گوي سبقت را از قهرمانان ورزشي شمال ربوده افتخاراتي را عاید مرز و بوم خویش نموده‌اند.

در این میان دار الاسلام نیز از کمبود امکانات جامع و نوین ورزشي رنج می‌برد در حالیکه زنان بیش از مردان در تنگنا قرار داشته و از قلت و سایل و امکانات لازم رنج برده‌اند.

رویا رویی با این وضعیت اهتمام ویژه دول اسلامي را می‌طلبد و این در حالیست که برخی از آنها با قرائت کاملاً غلطی که از دین دارند شانه از زیر بار مسئولیت خالی کرده‌اند، به تعبیر بهتر آنها کم کاری خویش را در تامین حقوق افراد، با سوء استفاده از احکام دین پوشانده‌اند.

علي کل حال نظر به علاقه مندی آحاد افراد جامعه به ویژه جوانان به ورزش ضروریست که زمینه لازم جهت بهره‌مندی ایشان از امکانات ورزشي یکسان فراهم آید و ضمن مراعات کامل احکام شرع مقدس نابرابری میان مردان و زنان به لحاظ برخورداری از وسایل ورزشي و تربیت بدنی از میان برداشته شود.

ط - الگو

نیاز جوان به داشتن الگویی ایده آل نیازی اساسی و حائز اهمیت است که ریشه در فطرت کمال جوی او دارد. به واقع فرایند الگو طلبی تلاشی است برای به فعلیت رساندن بخش عمده‌تری از توانایی‌های بالقوه آدمی که در آیینة رفتار و کردار دیگری به او نمایانده شده است.

قرآن کریم این نیاز والای بشری را مورد توجه قرار داده و با معرفی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان الگوی حسنه آدمیان را به متابعت از ایشان فراخوانده است.

این معرفی از جهات متعددی حائز اهمیت است یکی از آن جهت که حضرت و نیز اهل بیت گرامیش (س) از گوهر بی همتای عصمت بهره مند هستند و قول و فعلشان حجت می باشد و دیگر از آن رو که بهره مندی همه افراد جامعه از دریای فضل و کمال ایشان امکان پذیر است.

در این میان باید به الگوهای ثانوی نیز اشاره نمود یعنی همان افرادی که با متابعت از احکام نورانی اسلام و سیره نظری و عملی نبی مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل البیت معظم (س) در منظر مردم زمان و مکان خویش خوش درخشیده اند همانان که بارفتار و کردار خود همگان را به سوی الگوهای واقعی الهی رهنمون شده نام نیکی را نیز از خود به یادگار گذاشته اند.

این امر که نوعی سلسله مراتب را فراهم آورده موجب شده که رفعت و بلندای چشم افسای قلل کوهسار انسانیت پویندگان راه کامل را از صعود باز ندارد بلکه روح امید را در کالبد آنان بدمد و به طی طریق ترغیب نماید.

امروزه تلاش اندک ما در تربیت، شناسایی و شناساندن الگوهای ثانویه و نیز نداشتن برنامه مفید و روزآمد در امر خطیر معرفی الگوهای حسنة خداوندی و تبیین سیره نظری و عملی ایشان نوعی خلاء الگویی را در گستره دارالاسلام پدید آورده است که می بایست آن را به عنوان مهمترین عامل ارتقای جذابیت الگوهای بیگانه برشمرد.

این حالت موجب می‌شود که بازار مکاره غرب و ستارگان غالباً کدایش قبله آمال و کانون توجه طیف قابل توجهی از جوانان گردد و دین و دنیای آنان را تباه ساخته به درد بی درمان بی ریشگی و فقدان هویت مبتلا سازد.

توجه به این امر که غربیان غالباً در تعامل فرهنگی با دارالاسلام می‌کوشند تا آن دسته از افراد به ظاهر موفق الگونمای خویش که در عرصه‌های مخالف نظر اسلام (از قبیل سینمای غیر متعهد، موسیقی غنایی ورزش غیر ارزشی) کار کرده اند را بنمایانند و از قرار دادن فرهیختگان و دانشمندان جامعه خود در امتداد نگاه الگو طلب جوانان دارالاسلام طفره می‌روند می‌بایست دلسوزان امت اسلامی را به کنار نهادن سستی و رخوت واداشته به تلاش در زمینه معرفی الگوهای حسنة الهی و تبیین قول و فعل ایشان و نیز تربیت یا شناسایی الگوهای ثانویه و همچنین شناساندن آنان به مردم به ویژه جوانان ترغیب نمایند.

ی - بهداشت

توسعه صنعتی از یکسو با ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی، صوتی و... بهداشت جسمی و روانی افراد را به خطر می‌اندازد و از دیگر سو با در آمدی که نصیب جوامع می‌سازد نقش عمده‌ای را در تامین سلامتی آنان ایفا می‌نماید.

توجه به این دو نقش متفاوت مبین این واقعیت است که می‌باید از یکسو تا حد امکان از آلودگی‌های ناشی از توسعه صنعتی کاست و از سوی دیگر بودجه و اعتبار تخصصی جهت تامین بهداشت جسمی و روانی

افراد را نیز افزایش داد.

امروزه در حالیکه ممالک غربی در این مسیر گام بر می‌دارند و جهت تامین مقصود خود از استضعاف دیگر ملل نیز رویگردان نبوده و حتی زباله‌های اتمی خود را روانه کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا می‌نمایند دولتمردان کشورهای جهان سوم از یک طرف کمیت فناوری دریافتی را بر کیفیت آن ترجیح داده ناخواسته زمینه آلودگی زیست محیطی، صوت و... کشور خویش را فراهم می‌آورند و از طرف دیگر به واسطه نداشتن مدیریت مفید و ابتلا به فقر دامنگستر از تخصیص اعتبارات لازم جهت تامین بهداشت جسمانی و روانی شهروندان خویش ناتوان یا رویگردان هستند.

در راستای اتخاذ چنین سیاست اشتباهی است که بیابان زایی، فرسایش شدید خاک هدر رفتن آب و آلودگی منابع آبی، نابودی جنگل‌ها و مراتع و... و نیز پیامدهای منفی ناشی از آنها شمال افت تولید محصولات زراعی و پیدایش سوء تغذیه و ایجاد زمینه مناسب جهت گسترش بیماریهای گوناگون، درد مزمن کشورهای جنوب گردیده است.

اگر چه تبعات منفی این سیاست غلط تمامی افراد آن کشورها را در معرض تهدید جدی خود فرار می‌دهد اما این مادران و کودکان هستند که از آن آسیب بیشتری می‌بینند، توجه به این امر ضرورت اهتمام جدی دول جنوب از جمله دولتهای حاکم در گستره دار الاسلام را به ارتقای سطح بهداشت مردم خصوصاً مادران و کودکان که آینده سازی را عهده دار هستند بیش از پیش آشکار می‌سازد.

خوشبختانه گستره دار الاسلام به برکت پایبندی مسلمانان به احکام نورانی شریعت شریف محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) از بسیاری از مشکلات پیچیده و لا ینحل بهداشتی که امروزه جهان با آن دست به گریبان است در امان می‌باشد با این وجود تلاش در جهت ارتقای سطح بهداشت و پاسداشت آن در تمامی ابعاد

الزامی است، باشد که در سایه سار چنین اهمیاتی منویات شریعتی که نظافت و پاکی را نشانه دینداری می‌داند به صورت کامل محقق شود.

اگر چه زنان و جوانان مسلمان به غیر از موارد بر شمرده شده با مسائل دیگری نیز رو به رو هستند اما با صراحت می‌توان گفت که توجه به آنچه که بر شمرده شد در حکم توجه به تمامی مسایل ایشان می‌باشد.

امید است همدلی دولتمردان دار الاسلام و امت معظم اسلامی و راهنمایی‌های دلسوزانه علمای شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) زمینه لازم جهت رفع مسایل و اعطای جایگاه مناسب به زنان و جوانان در جامعه اسلامی را فراهم آورد.

پی‌نوشتها:

1. اعترافات 82 نفر از دانشمندان بزرگ جهان درباره اسلام و قرآن - محمود احمدی - ص 8.

2. سورة مبارکه نصر.

3. لذات فلسفه، ويل دورانت، ص 148.
4. همان، ويل دورانت، ص 149.
5. همان، ويل دورانت، ص 152 و 151.
6. سورة مباركة حجات، آية شريفة 13.
7. روح سياست جهاني - سيماي تمدن غرب، ص 148.
8. همان، ص 149.
9. اعترافات 82 نفر از دانشمندان بزرگ جهان در باره اسلام و قرآن - محمود احمدي - ص 40.
10. مجمع البيان فضل سورة بقره.
11. تحفه الاحباب
12. سورة مباركة مجادله، آية شريفة 13.
13. « نام من امروز است » - ديويد مورلي وهرميون لاول - ترجمه سعيد پارسي نيا - ص 47.
14. همان - ديويد مورلي وهرميون لاول - ترجمه سعيد پارسي نيا - ص 46.
15. سورة مباركة بقره، آية شريفة 183.